

نقش و جایگاه پروتکل های الحاقی به کنوانسیون ژنو ۱۹۴۹ در حقوق بین الملل

حسین جهان تیغ^۱، حسین نجفی^۲

چکیده

این بررسی با عنوان نقش جایگاه پروتکل های الحاقی کنوانسیون ژنو ۱۹۴۹ در حقوق بین الملل و با هدف تبیین انواع پروتکل های الحاقی کنوانسیون ژنو در اسناد بین الملل انجام شد. روش مورد استفاده در این پژوهش به صورت توصیفی و تحلیلی می باشد و برای جمع آوری اطلاعات از رویکرد اسنادی استفاده شده است. نتایج حاصل از پژوهش نشان می دهد که بر اساس ماده سیزده این پروتکل الحاقی ۱۹۴۹ حمله مستقیم به افراد و جمعیت های غیرنظامی ممنوع است و همچنین هدف حمله قرار دادن جمعیت غیرنظامی و اعمال خشونت باری را که هدف عمده آن، گسترش ترس و وحشت در میان جمعیت غیرنظامی باشد، ممنوع می کند. به موجب ماده چهارده به قحطی کشاندن جمعیت غیرنظامی، ممنوع است اصول کلی مستنبط از ماده ۵۲ (پاراگراف ۲) پروتکل اول و پاراگراف ۴ الحاقی به کنوانسیونهای ژنو مورخ ۱۲ اوت ۱۹۴۹ اعلام می دارد که کشورهای متخاصم نباید مقر نیروهای نظامی خود را در نزدیکی شهرها و اماکن عمومی قرار دهند و چنانچه این شرط رعایت نشد، بمباران این مناطق باید به صورت محدود باشد. پروتکل های الحاقی ۱۹۷۷ به کنوانسیون های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹، کلیه افراد زده را تحت حمایت قرار داده و تاکید بر آن دارد (پروتکل اول با ۱۷۲ عضو) مربوط به مخصصات ملی نه بین المللی یعنی جنگ اولویت را با دولت خارجی می داند. و پروتکل دوم با ۱۶۶ عضو مربوط به حمایت ملی غیر بین المللی یا داخلی یعنی گروهی غیر دولتی داخلی با دولت است. طرف های درگیر در جنگ و نظامیان نباید به افراد و اهداف غیر نظامیان حمله کنند و باید عملیات نظامی خود را مطابق با مقررات حقوق بشردوستانه بین الملل هدایت کنند. این پروتکل تکمیل کننده مسایل مربوط به نقض حقوق بشر دوستانه در کنوانسیون های چهارگانه ۱۹۴۹ می باشد .

^۱ -دانش آموخته کارشناسی اشرار حقوق عمومی

^۲ دانشجوی دکتری الاق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی

کلمات کلیدی: پروتکل های الحاقی ۱۹۷۷، کنوانسیون های ژنو ۱۹۴۹، حمایت از نظامیان در جنگ، حمایت از غیرنظامیان در جنگ

مقدمه

پروتکل الحاقی کنوانسیون ژنو ۱۹۴۹ به دلیل وجود برخی نواقص در سال ۱۹۷۷ با یک الحاقیه تکمیل شده است. این موضوع پس از کشتارهای بی رحمانه جنگ دوم جهانی اساسنامه دادگاههای نورمبرگ و توکیو مسأله جنایات بر ضد بشریت را مطرح کردند. این جنایات در همان زمان دو دسته تقسیم شدند: دسته اول جنایاتی را شامل می شد که بر ضد یک گروه خاص در کل یا جزء ارتکاب می یافتند در حالی که دسته دوم جنایاتی را در بر می گرفت که بر ضد افراد فارغ از هر گونه وابستگی گروهی آنها ارتکاب می یافتند. دسته اول عنوان «ژنوسید» یا «نسل کشی» به خود گرفت و دسته دوم با نام «جنایات بر ضد بشریت» مطرح شدند. به همین دلیل هم تا چندی پیش جنایت نسل کشی در چارچوب جنایات بر ضد بشریت مطرح می شد و هنوز هم در قوانین داخلی برخی از کشورها از جمله فرانسه نسل کشی در زمره جنایات بر ضد بشریت محسوب و مطرح شده است. این موضوع در مورد الحاقیه سال ۱۹۷۷ با توجه به منع برده داری در خصوص اسیران و نظامیان جنگی در درگیری های مسلحانه بین المللی اختصاص داده شده است به طوری که ماده ۳ مشترک، منع برده داری را که در ماده ۸ میثاق مطلقاً ممنوع گشته است در بر ندارد، با این حال منع گروگان گیری را که روشی معمول در منازعات مسلحانه است، شامل می شود. اما در ارتباط با پروتکل های اول و دوم الحاقی به کنوانسیون های ژنو ۱۹۴۹، مصوب ۱۹۷۷ پروتکل شماره ۱ به درگیری های مسلحانه بین المللی اختصاص داده شده است، در ماده ۵۷ این پروتکل تحت عنوان تضمین های بنیادی، در ابتدای ماده آمده که افرادی که براساس این پروتکل و کنوانسیون های چهارگانه مورد حمایت قرار نگرفته اند- یعنی فرد مورد حمایت تلقی نمی شوند- بایستی که از تضمین ها و حقوق پیش بینی شده در ماده ۵۷ پروتکل شماره ۱ بهره مند شوند. همچنین با توجه به پروتکل دوم، قابلیت اعمال همزمان اسناد مربوط به حقوق بشردوستانه و حقوق بشر در منازعات مسلحانه، برای اولین بار صریحاً در اسناد حقوق بشردوستانه به رسمیت شناخته شده است. لذا بند دوم مقدمه

پروتکل دوم اظهار می‌دارد که «اسناد بین‌المللی مربوط به حقوق بشر حمایت اولیه‌ای برای فرد انسان ارائه می‌کنند». به عبارت دیگر حقوق بشر اصول اساسی برای حمایت از همه افراد در هر زمینه‌ای از جمله قربانیان در منازعات داخلی می‌باشد، در واقع قواعد تدوین شده در پروتکل دوم، قواعد ماده ۳ را توسعه داده و تکمیل کرده است. قواعد مربوط به «رفتار انسانی» در پروتکل در سه گروه ارائه شده‌اند: حقوق اساسی که به حمایت از افراد (تضمین‌های اساسی ماده ۴) مربوطند، قواعدی که حد اقل تضمین‌های مربوط به رفتارهای قابل اعمال در مورد افراد محروم از آزادی‌شان را (ماده ۵) و تضمین‌های قضایی (ماده ۶ مربوط به تعقیب کیفری) را تصریح می‌کنند. این موضوع در خصوص درگیری‌های مسلحانه در سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی نیز مورد استفاده است به طوریکه در خیلی موارد سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی کوشش کرده‌اند که برای حمایت بیشتر از فرد در این گونه بحران‌های داخلی با تأکید بر نقض حقوق بشردوستانه از سازوکارهای حقوق بشر برای حمایت از فرد در مقابل حکومت‌های جبار استفاده کنند. که این در رویه قضایی بین‌المللی هم مشهود است.

اهمیت و ضرورت

از آنجا که پروتکل الحاقی به کنوانسیون ژنو سبب پیدایش زمینه‌های چالش برانگیز در خصوص حمایت از اسیران جنگی و حقوق جنگ شده است و از سوی دیگر سبب بهبود مسیر کنوانسیون ژنو و مواد الحاقی به آن گردیده است لذا به نظر می‌رسد بررسی این موضوع دارای ضرورت می‌باشد از سوی دیگر در پی فروپاشی نهادهای دولتی و به دنبال آن فقدان یک فرماندهی مسئول عملیات بشردوستانه یا مختل شدن کلی نظامی که بتواند رضایت یا اجازه‌ای برای فعالیت‌های ارکان بشردوستانه بدهد و برای اجرای مؤثر اصول بشردوستانه مسئول شناخته شود، روبرو می‌گردد. بر این اساس این مطالعه بررسی نقش جایگاه پروتکل‌های الحاقی کنوانسیون ژنو ۱۹۴۹ در حقوق بین‌الملل را ضروری می‌داند و به آن می‌پردازد.



پروتکل های الحاقی

به منظور حمایت بیشتر از غیرنظامیان و در پی تلاشهای صلیب سرخ بین المللی، سرانجام، طی مذاکرات طولانی در ۱۰ ژوئن ۱۹۷۷، دو پروتکل به کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو ضمیمه شد. پروتکل نخست، اختصاص به حمایت از قربانیان درگیری های مسلحانه بین المللی دارد که در جنگهای بین الدولی اجرا می شود. و پروتکل دوم، مربوط به حمایت از قربانیان در مخاصمات مسلحانه غیر بین المللی و داخل کشورها است. مطابق ماده ۲ مشترک کنوانسیونهای چهارگانه ۱۹۴۹ ژنو، قواعد این کنوانسیونها، در هر جنگ اعلام شده یا هر مخاصمه مسلحانه، که میان دو یا چند کشور طرف معاهده - حتی اگر حالت جنگی، توسط یکی از آنها به رسمیت شناخته نشود- قابل اجرا است (میرمحمدی، ۱۳۸۲).

بر اساس بند ۱ ماده ۲۳ پروتکل الحاقی شماره ۱ مورخ ۱۲ دسامبر ۱۹۷۷ به معاهده ژنو مورخ ۱۲ اوت ۱۹۴۹ راجع به رفتار با اسرای جنگی قاعده واحد برای شناخت اسیر چنین است: (برزنونی، ۱۳۸۲)

«تمام نیروها، تمام گروه ها و تمام واحدهای مسلح و سازمان یافته ای که تحت امر یک فرمانده، مسؤول رفتار افراد تحت امر خود، می باشند (و) دارای یک رژیم انتظامی داخلی هستند که باعث رعایت قواعد حقوق بین الملل مرعی در جنگ می گردد می تواند از وضعیت حقوقی اسیر جنگی برخوردار گردند». (شارل، ۱۳۶۹)

بر اساس ماده ۵۰ پروتکل اول ۱۹۷۷، چنانچه در میان مردم غیرنظامی، افرادی پیدا شوند که نظامی باشند، باز این جمعیت از ویژگی غیرنظامی برخوردار بوده و حمایت می شوند. غیرنظامیان چه به صورت فردی یا جمعی، نباید هدف حمله قرار گیرند و اعمال یا تهدید به تجاوز که هدف آن، ایجاد وحشت در بین مردم غیرنظامی باشد، ممنوع است. (ماده ۵۱) این ماده، در بند ۶ خود، حمله به غیرنظامیان را به عنوان «اقدام تلافی جویانه»، ممنوع کرده است. حملات، فقط باید محدود به اهداف نظامی باشد (ماده ۵۲) و از بین بردن اموالی که وجود آن برای حیات مردم غیرنظامی ضروری است، ممنوع است (ماده ۵۴) همچنین مطابق بخشهای دوم و سوم پروتکل، باید نیازهای اساسی مردم غیرنظامی در مناطق اشغالی تأمین و تسهیلات لازم جهت کمک به آنها، حتی در سرزمین های تحت کنترل (و نه اشغالی)، مهیا گردد و

تضمینات خاصی در مورد پناهندگان و آوارگان و خانواده‌های آنان، توسط دولت اشغالگر داده شود. (میرمحمدی، ۱۳۸۲)

بر اساس حقوق بین‌الملل، اسیر گرفتن باید در زمان جنگ فعال صورت گیرد. در اسلام گرفتن اسیر در صحنه درگیری یا پس از آن جایز است. «اسیر دشمنی است که در حال جنگ یا پس از جنگ گرفتار شود». (رازی و رازی، ۱۳۵۲)

وضعیت حقوقی اسرای جنگی در کنوانسیونهای مختلف در لاهه و ژنو به تفصیل مورد بحث قرار گرفته است که مهمترین آنها کنوانسیون سوم ۱۹۴۹ ژنو مربوط به رفتار با اسرای جنگی است که کشورهای اسلامی نیز بر آن صحنه گذارده‌اند، گرچه از صدر اسلام، رفتار انسانی با اسیران مراعات می‌شده است و حقوق مربوط به آنها کاملاً رعایت می‌گردیده است. در حقوق بین‌الملل، غنیمت شامل آن دسته از اموال منقول کشور دشمن می‌شود که یکی از طرفین متخاصم بر آن مستولی شود و آن را تصاحب کند. «در برخی دیگر از تعاریف آمده است: «غنیمت جنگی یعنی اموال عمومی دشمن که در میدان نبرد به تصرف درآمده‌اند». (رابرت و بوسلاو، ۱۳۷۵)

ماده ۵۵ مقررات ۱۹۰۷ لاهه با اشاره به «تئوری حق انتفاع» بر این نکته تصریح دارد که دولت اشغال کننده فقط می‌تواند به عنوان مدیر و صاحب حق انتفاع از بناهای عمومی، ساختمان‌ها، جنگل‌ها و منابع کشاورزی متعلق به کشور اشغال شده، بهره‌برداری نماید. (شارل، ۱۳۶۹)

اشغال کننده می‌تواند اموال منقولی را که دارای استفاده نظامی است تصاحب نماید. از سوی دیگر، باید حرمت بناهای عمومی یا بناهایی را که به مصارف عمومی می‌رسند نگهدارد. (شارل، ۱۳۶۹)

همین مسأله در کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه نیز آمده است که اشغال‌گر می‌تواند اموال منقول عمومی قابل استفاده برای عملیات نظامی را تملک نماید. اما مسأله اینجاست که کاملاً روشن نیست که مفهوم «اموال عمومی» شامل چه چیزی می‌شود؟ آنچه مسلم است ممنوع بودن توقیف، نابودی یا ایراد خسارت به اموال فرهنگی است. اموال خصوصی را نیز نمی‌توان توقیف کرد مگر اموال منقول مفید برای مقاصد نظامی. (رابرت و بوسلاو، ۱۳۷۵)

علاوه بر جنایت بین المللی، که در اثر تجاوز به یک کشور و نقض اصل منع توسل به زور صورت می‌گیرد، چنانچه متجاوزان، به هنگام مناصمه مسلحانه و درگیری نظامی، مقررات جنگ را نادیده بگیرند، مرتکب «جنایت جنگی» نیز شده‌اند. جنایات جنگی عبارت است از نقض فاحش قواعد و مقررات حقوق مناصمات مسلحانه. این مقررات، در عهدنامه‌های چهارگانه ژنو ۱۹۲۹ و پروتکل‌های الحاقی شماره‌های ۱ و ۲ سال ۱۹۷۷ و نیز در قواعد و عرفهای مسلم حقوق بین الملل حاکم بر حقوق مناصمات مسلحانه، انعکاس یافته است. جنایات ارتكابی علیه افراد غیرنظامی، جنایات ارتكابی علیه مجروحان و اسیران جنگی، غارت اموال عمومی یا خصوصی در زمان جنگ، بمباران و تخریب شهرها و روستاها و اهداف غیرنظامی دشمن که فاقد ضرورت نظامی باشد، در زمره جنایات جنگی قرار می‌گیرند. (ضیایی بیگدلی، ۱۳۷۹)

به دنبال شکل‌گیری ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو در سال ۱۹۴۹ و پروتکل الحاقی دوم به این کنوانسیون‌ها در سال ۱۹۷۷، جامعه جهانی به مفهوم آستانه مناصمات مسلحانه غیربین المللی، به عنوان مرز عبور از وضعیت‌هایی چون شورش و درگیری‌های پراکنده داخلی و ظرفیتی موثر در کاهش حقوق حاکمیتی و حتی پایان بخشیدن به صلاحیت انحصاری محاکم داخلی دول محله وقوع مناصمه، توجه نشان دادند. دول محل وقوع مناصمه، به خصوص آن دسته از کشورهایی که بیش از دیگران خود را در معرض وقوع مناصمات مسلحانه می‌دیدند، در طول کنفرانس‌های مختلف، هنگام طرح این موضوع، همواره تلاش خود را به برجسته کردن اصول و موازین حاکمیتی و اولویت بخشیدن به صلاحیت محاکم و نهادهای قضایی داخلی معطوف کردند.

«۱. این پروتکل، که در راستای توسعه و تکمیل ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های ۱۲ اوت ۱۹۴۹ ژنو است، بدون تغییر و اصلاح شرایط کاربردی موجود باید نسبت به کلیه مناصمات مسلحانه ای اعمال گردد که مشمول ماده ۱ از پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو ۱۲ آگوست ۱۹۴۹ مربوط به حمایت از قربانیان مناصمات مسلحانه بین المللی نگردیده و در حوزه سرزمینی یکی از اعضای معظم این قرارداد و بین نیروهای مسلح آن کشور و قوای مسلح مخالف یا دیگر گروه‌های سازمان یافته مسلح و تحت یک فرماندهی مسئول رخ دهد که

آنچنان کنترلی بر بخشی از سرزمین کشور مذکور دارند که آنها را قادر می‌سازد که عملیات نظامی را برای اجرای این پروتکل به صورت مجتمع و کنترل شده انجام دهند (کنعانی و همکاران، ۱۳۸۵).

۲. این پروتکل نباید در خصوص موقعیت‌های آشوب و بحران داخلی همانند شورش‌ها، اعمال تعرض آمیز انفرادی و پراکنده و دیگر اعمالی با ماهیت مشابه، که در حد مخاصمات مسلحانه نمی‌باشد، اعمال گردد. «پیش‌نویس مقدماتی پروتکل فوق ابتدا با تلاش کمیته بین‌المللی صلیب سرخ جهانی در قالب چهار پاراگراف مقدماتی و چهل وهفت ماده تقدیم کنفرانس دیپلماتیک شد؛ سندی که به دلیل کاهش قابل توجه حقوق حاکمیتی دول محل وقوع مخاصمه (کاهش حداکثری آستانه) با مخالفت گسترده کشورهای که بیش از سایرین قلمرو خود را در معرض وقوع مخاصمات مسلحانه می‌دیدند رو به رو شده و نهایتاً بخش قابل ملاحظه‌ای از آن مورد جرح و تعدیل قرار گرفت به رغم تأکید کشورهای چون سوریه بر اجتناب از چنددستگی و ایجاد همگرایی و یکسان‌سازی قواعد حقوق بین‌الملل، کشورهای چون نروژ و سوئد، ضمن سر دادن شعار ضرورت ایجاد ساز و کارهای جامع منتج به حمایت از قربانیان جنگ و رعایت دائمی حقوق بشردوستانه و همچنین مستمسک قراردادن قابلیت تبدیل مخاصمات غیربین‌المللی به بین‌المللی، خواستار تلفیق پروتکل‌های الحاقی اول و دوم و ارائه آن در قالب پروتکلی واحد و قابل استناد در کلیه مخاصمات مسلحانه، اعم از بین‌المللی و غیربین‌المللی، بودند. در این میان کمیته بین‌المللی صلیب سرخ جهانی نیز مترصد تفکیک مخاصمات مسلحانه بین‌المللی از غیربین‌المللی و تدوین آن در قالب دو پروتکل مجزا بود.

ذیل بند ۱ ماده ۱ پروتکل دوم به نحوی بارز کاهش ارزش‌های حاکمیتی دول محل درگیری را به همراه خواهد داشت. پروفیسور آنتونی کولن، ضمن تکرار شعار یکی از کشورهای حاضر در کنفرانس دیپلماتیک ۱۹۴۹ به مضمون «نصف لقمه بهتر از هیچی است» و تأیید محدودیت‌های ذاتی مستتر در ماده ۱ پروتکل الحاقی دوم، بر این باور است که این ماده، ضمن ارتقای ارزش‌های عرفی بشردوستانه مستتر در پروتکل الحاقی دوم، ظرفیتی در جهت تکمیل و توسعه ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های ژنو به شمار می‌رود. از نظر وی، درج شروط مختلف

و تلاش کشورها در برجسته کردن ترتیبات جدید شکل‌گیری ذیل آستانه مصداق نارضایتی آنها با مفاد بند ۱ ماده ۱ پروتکل الحاقی دوم است. کولن بر آن است که به رغم تاثیر مستقیم شرایط و فضای عرفی حاکم بر جامعه بین‌الملل بر کاهش دامنه آستانه مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی و فرایند تنظیم سایر مفاد پروتکل الحاقی دوم اصرار کشورها بر درج شروط متفاوت ذیل بند ۱ ماده ۱ پروتکل فوق اصلی‌ترین هدف پروتکل، یعنی حمایت از غیرنظامیان در طول مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی، را به حاشیه برده و به نحوی قابل ملاحظه از حیز انتفاع خارج کرده است. (کولن، ۲۰۱۰)

نظر به ارتباط مستقیم و متقابل پروتکل‌های الحاقی اول و دوم، به خصوص آثار قطعی ناشی از تنظیم ادبیات آستانه پروتکل اول بر ادبیات آستانه پروتکل دوم، تصویب بند ۱ ماده ۱ پروتکل الحاقی دوم و بند ۴ ماده ۱ پروتکل الحاقی اول را می‌توان مهمترین دستاوردهای کنفرانس دیپلماتیک در طول سه سال مذاکره دانست. در این میان نمی‌توانیم منکر تاثیر افزایش حرکت‌های آزادی‌خواهانه ملی و تلاش‌های معطوف به توسعه حقوق بشردوستانه، فارغ از ماهیت بین‌المللی یا غیر بین‌المللی مخاصمات، بر مدیریت مذاکرات و فرآورده‌های حقوقی کنفرانس دیپلماتیک باشیم. پروفیسور کولن، ضمن هشدار به عواقب اغراق در استناد به حقوق بشردوستانه بین‌المللی، ذیل بند ۴ ماده ۱ پروتکل الحاقی اول و بند ۱ ماده ۱ پروتکل دوم، و همچنین اذعان به تبلور و قابلیت شناسایی بسیار از نرم‌ها در قالب استانداردهای عرفی حقوق بشردوستانه بین‌المللی، بر آن است که ادبیات مربوط به آستانه مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی در طول مذاکرات پروتکل الحاقی دوم عملاً در مسیر عدم شناسایی برخی مصادیق و استانداردهای حقوق بین‌الملل عرفی گام برداشته است؛ ضمن آن که آستانه بند ۱ ماده ۱ پروتکل دوم یکی از عوامل اصلی کاهش قدرت اجرایی و دامنه شمول پروتکل دوم تلقی می‌شود. (کولن، ۲۰۱۰)

تدوین آستانه جدید ذیل بند ۱ ماده ۱ پروتکل الحاقی دوم، در مقام عمل و نه تئوری، کمکی به توسعه حقوق بشردوستانه و کاهش کشتار غیرنظامیان در طول مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی نکرده است. به عبارت دیگر، تدوین آستانه بالاتر در مقایسه با آستانه ماده ۳

مشترک کنوانسیون‌های ژنو، ضمن فراهم آوردن بهانه مناسب برای دول محل وقوع مخاصمه جهت فرار از تسری دامنه شمول مفاد پروتکل فوق بر مخاصمات مسلحانه متفق در مرزهای حاکمیتی، موجب هدایت و نهایتاً شناسایی این طیف از مخاصمات در وضعیت‌هایی شبیه یا نزدیک به جنگ‌های داخلی تمام عیار شده است. در این میان، به رغم تلاش کمیته بین‌المللی صلیب سرخ جهانی در مهندسی پروتکل الحاقی دوم، به عنوان ابزاری حقوقی در ارتقای سازوکارهای منتج به صیانت از حقوق بشردوستانه، اختلاف‌نظر کشورها در نحوه شناسایی آستانه مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی به دلیل آثار مستقیم آن بر حقوق حاکمیتی و امور امنیتی دول محل وقوع مخاصمه شرایطی را رقم زده تا در پایان سه سال مذاکره عملاً شاهد تصویب متنی کاملاً متفاوت با پیش‌نویس اولیه ارائه شده از سوی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ جهانی باشیم. با این حال، عدم تمایل کشورهای محل وقوع مخاصمه مسلحانه از ترجیح سند فوق بر سیستم قضایی و محاکم ملی در طول چهار دهه حیات پروتکل الحاقی دوم واقعیتی انکارناپذیر است (موسوی و همکاران، ۱۳۹۴).

با این حال، تلاش برخی کشورها برای کاهش تدریجی آستانه مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی طی سال‌های ۱۹۴۹ تا ۱۹۹۸ (ماده ۳ مشترک، پروتکل الحاقی دوم، ماده ۸ اساسنامه رم) و تشدید این وضعیت در سال ۱۹۹۹، تاکنون که با بهره‌گیری از ابزارها و ظرفیت‌هایی چون کمیته بین‌المللی صلیب سرخ جهانی، دبیرکل سازمان ملل متحد، و قطعنامه‌های شورای امنیت یا شکل‌گیری ترتیباتی مانند مداخلات بشردوستانه و مسئولیت حمایت در سال ۱۹۹۹ شاهد تداوم آن هستیم، به خصوص با توجه به آخرین گزارش تقدیمی دبیرکل سازمان ملل متحد به شورای امنیت (اقرار به افزایش چشمگیر شمار قربانیان غیرنظامی در طول مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی)، سیاستی شکست‌خورده در حوزه ارتقای حقوق بشردوستانه محسوب می‌شود. طبیعتاً رصد فرایند فوق، یعنی کاهش تدریجی آستانه مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی و تحولات مترتب بر آن از منظر عملکرد حاکمیت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی در طول هفت دهه گذشته، خارج از ظرفیت این مقاله است. (موسوی و تفرشی، ۱۳۹۵)



حق طرفین مخاصمه در پروتکل الحاقی

اغلب مواد قسمتهای سوم و چهارم پروتکل اول الحاقی به وضوح تحت مفهوم حقوق بشردوستانه جای می‌گیرند. ماده ۳۵ (پاراگراف ۱) این پروتکل مقرر می‌دارد که «در هر منازعه مسلحانه حق طرفین برای انتخاب روش و شیوه و وسیله جنگی نامحدود نمی‌باشد». قاعده بنیادین مندرج در مفهوم اسلامی حقوق بشردوستانه مقدم بر این قاعده و به مراتب سخت‌گیرانه‌تر و مشخص‌تر از آن است. در واقع ماده ۳۵ محدود و منفی به نظر می‌رسد، به این مفهوم که هیچ منع صریحی در بر ندارد و در خصوص انتخاب وسایل و روشهای جنگ، طرفین مخاصمه مسلحانه را به هیچ حدود دقیقی محدود نمی‌کند و صرفاً مقرر می‌دارد که حق انتخاب نامحدود نمی‌باشد (محقق داماد، ۱۳۷۲).

از آنجا که نه ماده ۳۵ (پاراگرافهای ۲ و ۳) و نه ماده ۳۶ پروتکل اول به طور صریح در مفهوم بشردوستانه مد نظر نبوده است. مفهوم حقوق بشر دوستانه اسلامی مفاد مواد ۳۸ و ۳۹ اولین پروتکل الحاقی را به طور مستقیم در بر ندارد، مفاد مواد ۴۰ و ۴۱ در مورد محافظت از دشمنی که توان رزمی خود را از دست داده است و امان دادن به او به طور صریح و یا ضمنی در حقوق بشر دوستانه اسلام وجود دارد و می‌توان گفت که براساس استنباط مستدل (اجتهاد) جزیی از آن است، مانند مورد سرنشینان هواپیمائی که در وضعیت اضطراری است (ماده ۴۲) چون هدف مخاصمه مسلحانه درهم شکستن مقاومت دشمن است و فرد دشمن وسیله عمده مقاومت به شمار می‌رود، هیچ دشمنی پس از اینکه در نتیجه تسلیم یا اسارت از صحنه مخاصمه بیرون رفت، نباید کشته و یا شکنجه شود. قسمت دوم از فصل سوم اولین پروتکل الحاقی به کنوانسیون ۱۹۴۹ حاوی مقررات مربوط به عضویت و تشکیل و تشکیلات نیروهای مسلح (ماده ۴۳)، رزمندگان و اسرای جنگی (ماده ۴۴)، حمایت از شرکت کنندگان در مخاصمه (ماده ۴۵)، جاسوسان (ماده ۴۶) و نهایتاً مزدوران و اجیران (ماده ۴۷) است. روشن است که مسئله شکل‌گیری و تشکیلات و عضویت در نیروی مسلح آمیخته با مفهوم دولت است اما فرماندهی و مسئولیت در قبال رزمندگان و مقررات انضباطی و احترام به قواعد قابل اعمال در مخاصمات مسلحانه، عناصر و عوامل ثابت و پایدار می‌باشند و این جنبه‌های ذاتی و دائمی

زندگی نظامی همیشه دارای بیشترین اهمیت در عضویت و تشکیل بوده‌اند ماده ۴۶ اولین پروتکل الحاقی حاوی مقرراتی در مورد جاسوسان است (محقق داماد، ۱۳۷۲).

مقررات بشردوستانه در پروتکل الحاقی ۱۹۷۷

ماده ۵۴ از فصل سوم پروتکل اول الحاقی، بند ۲: حمله، تخریب، اشغال، غیر قابل استفاده کردن اموالی که برای بقای سکنه غیر نظامی ضروری‌اند؛ نظیر مواد غذایی، زمین‌های کشاورزی برای تولید مواد غذایی، تأسیسات آب آشامیدنی و مانند آن ممنوع است. ماده ۵۷ پروتکل: ناظر به اقدامات احتیاطی در رابطه با حملات نظامی است و مقرر می‌دارد که شناسایی نظامیان از غیر نظامیان و اموال ضروری است. حمله به اموال ممنوع است، مگر آن‌ها که به لحاظ ماهیت، هدف یا کار برد، سهم مؤثری در عملیات نظامی داشته باشند. (ماده ۷۴) پروتکل از ضرورت به هم پیوستن مجدد خانواده‌هایی که از هم دور افتاده‌اند، سخن گفته است (راعی، ۱۳۸۳). ماده ۴۸ پروتکل ضرورت تفکیک بین افراد نظامی و غیرنظامی را مدنظر قرار داده است. ماده ۵۰ کنوانسیون چهارم راجع به اداره سرزمین اشغالی، ماده ۵۵ مربوط به تدارک خواروبار و امکانات پزشکی و ماده ۵۶ راجع به تأمین تسهیلات پزشکی و بیمارستانی سخن می‌گوید.

وضعیت‌های خارج از درگیری و معارضه مسلحانه در پروتکل‌های الحاقی

حقوق بین‌الملل بشردوستانه در مورد وضعیت‌های خارج از درگیری و معارضه مسلحانه نظیر آنچه در حکومت‌های دیکتاتوری متداول است و در این نظام‌ها تعدی و آزار شهروندان و دستگیری و زندانی شدن آنها به همراه شکنجه و طرد افراد رویه‌ای معمول است، راه‌حلی را ارائه نمی‌نماید. قواعد حقوق بشردوستانه در این موقعیت‌ها قابلیت اعمال ندارند، چراکه دولتها در چارچوب پروتکل الحاقی ۱۹۷۷ حوزه صلاحیت ملی خود را به صراحت از شمول این مقررات خارج کرده‌اند. در مورد ممنوعیت‌های دسته اول مراجعه شود به ماده ۴۸ و مواد بعدی اولین پروتکل الحاقی ۱۹۷۷ و مواد ۱۳ و مواد بعدی پروتکل دوم. در مورد دومین دسته از اعمال ممنوع مراجعه شود به شمار زیادی از مواد کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل‌های الحاقی و مواد مربوط به افرادی همچون مصدومین، مغرورین و مصیبت‌زدگان و زندانیان غیرنظامی در



جنگ تصویب پروتکل‌های الحاقی به عهدنامه‌های ژنو چهار سال و عهدنامه راجع به حقوق دریاهای ده سال طول کشید. این طولانی شدن زمان برای پذیرش هنجارهای بین‌المللی در دنیای همواره در حال تحول برازنده به نظر نمی‌رسد و اقتضایات دنیای فعلی سرعت بیشتری را در این باره می‌طلبد. این امر بیشتر از آن جهت در خور توجه است که اگر تعداد زیادتری از کشورها به این عهدنامه‌ها نپیوندند این عهدنامه‌ها کارایی لازم را دارا نخواهند شد؛ و این در حالی است که خود مراحل تصویب و تأیید عهدنامه‌ها نیز به زمان اضافی بیشتری نیاز دارد (سوهدهز، ۱۳۸۲).

در پروتکل ۱۹۲۵، فقط به کارگیری این سلاح‌ها ممنوع بود. این ممنوعیت، پروتکل را به صورت ابزاری برای تنظیم جنگ درآورده بود، نه خلع سلاح. کنوانسیون هم که در لندن، مسکو و واشنگتن در ۱۰ آوریل ۱۹۷۲ امضا شد از یک سو، نهایی کردن، ساخت و ذخیره‌سازی این سلاح‌ها را منع کرد و از سوی دیگر، امحای ذخایر موجود را الزامی ساخت، اما در خلال دو دهه گذشته تهدیدات ناشی از سلاح‌های بیولوژیک، جبران افزایشی داشته و ظاهراً تعداد کشورهای درگیر نیز افزایش یافته است. اخیراً نگرانی عمیقی در مورد کاربرد تروریستی عوامل بیولوژیک علیه شهروندان غیرنظامی و نیز عموم پرسنل نظامی در برخی محافل علمی به چشم خورده است. مواردی دیده شده که گروه‌های ناراضی در تلاش بوده‌اند تا دیگر ارگانسیم‌های مخصوص را برای مقاصد تروریستی به دست آورند. نخستین اقدام جامعه بین‌المللی برای نظارت بر تحقق، توسعه و تملک سلاح‌ها، وسایل و شیوه‌های جنگی، به تصویب اعلامیه سن پترزبورگ (۱۸۶۸) بازمی‌گردد. دولت‌های عضو اعلامیه متعهد شدند: «هرزمان موضوع معینی با توجه به پیشرفتهای آتی علمی مطرح شود که امکان تأثیر آن بر تسلیحات نظامی باشد، [دولتهای متعاقد] در حمایت از اصولی که تأسیس کرده‌اند، خود را مشروط به توافق و سازش ضرورت‌های جنگی با قواعد انسان‌دوستانه. مواد ۳۵ و ۵۱ پروتکل الحاقی اول ۱۹۷۷. کنند» به عبارتی، دولت‌های متعهد باید ممنوعیت بهره‌گیری غیرانسانی از پیشرفتهای علمی و فناوری در امور نظامی را تضمین کنند (شجاع، ۱۳۸۸).

بار دیگر در پروتکل الحاقی اول ۱۹۷۷ به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹، بر بازبینی حقوقی فعالیت‌های نظامی و هم‌راستایی آنها با اصول حقوق بین‌الملل تأکید شد. ماده ۳۶ پروتکل اول اشعار می‌دارد: «طرف‌های معظم متعاقد در هنگام تحقیق، توسعه، تملک یا در اختیار گرفتن یک سلاح، وسایل و شیوه‌های جدید جنگی، موظفند تعیین کنند که آیا کاربرد آن در تمام یا برخی وضعیت‌ها، برطبق این پروتکل یا سایر قواعد حقوق بین‌الملل قابل اعمال بر آن طرف معظم متعاقد، ممنوع است یا خیر؟» به موجب این ماده، نخستین تعهد دولت‌های متعاقد، اتخاذ سازوکارهای ملی برای بازبینی فعالیت‌های نظامی است. سازوکارها یا کمیته‌های ملی بازبینی ملزم به بررسی و همخوانی فعالیت‌های نظامی ملی با تعهدات حقوق بین‌المللی دولت خود هستند. دولت‌های متعاقد به پروتکل الحاقی اول به موجب ماده ۳۶ متعهد شدند که فرآیند تحقیق، توسعه، تملک و بکارگیری سلاح‌ها، وسایل و شیوه‌های جدید جنگی را همسو با تعهدات حقوق بین‌المللی خود ادامه دهند. به اعتقاد کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در تفسیر پروتکل‌های الحاقی، عبارت «وسایل و شیوه‌ها» در ماده ۳۶ پروتکل الحاقی اول، هم می‌تواند شامل سلاح‌ها به مفهوم موسع گردد و هم شامل روشهایی که آنها را به کار می‌برند. به عبارت دیگر، استفاده انجام شده از یک سلاح می‌تواند فی‌نفسه و یا تنها به موجب وضعیت‌های خاص غیرمشروع باشد. برای مثال سموم ماهیتا غیرمشروع می‌باشند. از این‌رو سلاحی که دارای دقت بالایی است می‌تواند به‌طور هدفمند علیه جمعیت غیرنظامی استفاده شود. مورد اخیر سلاحی نیست که ممنوع شود، بلکه روش و شیوه استفاده از آن ممنوع می‌شود. به موجب ماده ۳۶ پروتکل اول، دولت‌های عضو برای ایفای تعهداتشان ملزم به تأسیس کمیته‌های ملی برای بازبینی تسلیحات جدید خود هستند. کمیته ملی باید مرکب از تخصص‌های گوناگون و مرتبط علمی باشد، از جمله تخصص‌های نظامی، فنی، بهداشتی و مراقبتی، محیط زیستی و حقوقی که موضوع را از دیدگاه‌های متفاوت مورد بررسی قرار دهند (شجاع، ۱۳۸۸).

حمایت از کودکان هنگام جنگ

پروتکل الحاقی ۱۹۷۷ سازمان ملل متحد درباره حمایت از کودکان هنگام جنگ اعلام می‌کند که کودکان باید مورد احترام خاص قرار گرفته و از آنها در برابر هر شکل از حمله ناشایست حمایت شود. آنها باید مراقبت و کمکی را که خواه به علت سن و یا به هر علت دیگر به آن نیاز دارند دریافت کنند. همه اقدامات ممکن باید انجام شوند تا از شرکت کودکان زیر ۱۵ سال در درگیری‌ها جلوگیری شود و اگر آنها در نتیجه جنگ یتیم شده یا از خانواده خود جدا بشوند، برای تضمین اینکه به حال خود رها نشوند، باید اقدامات لازم به عمل آید تا آموزش آنها در هر حال تسهیل شود. در صورت دستگیری کودکان، آنها باید در محلی جدا از بزرگسالان نگهداری شوند، مگر آنکه خانواده‌هایی به عنوان واحد خانوادگی اسکان داده شده باشند (نگهداری، ۱۳۸۶).

مجازات مرگ نباید در مورد اشخاصی که در زمان ارتکاب جرم کمتر از ۱۸ سال داشته‌اند اجرا شود. بعدها این حمایت به سربازان زخمی، بیمار و کشتی‌شکستگان در نبردهای دریایی گسترش پیدا کرد و در اولین و دومین کنوانسیون ۱۹۴۹م. مورد بازنگری قرار گرفت، و در نهایت تصویب پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷ م. تعهدات دولت‌ها را نسبت به غیرنظامیان بیمار، زخمی و کشتی‌شکستگان در شرایط و اوضاع مشابه گسترش داده است (نگهداری، ۱۳۸۶):

۱. باید از رفتار انسانی برخوردار شوند؛ بنابراین، رفتار غیرانسانی نظیر شکنجه یا آزمایشات پزشکی نسبت به افراد مطلقاً ممنوع است؛
۲. باید در برابر خطر و تهدیدات بخصوص اقدامات تلافی‌جویانه، چپاول و غارت یا برخورد‌های سوء مورد حمایت قرار گیرند؛
۳. به منظور حفاظت در مقابل آثار احتمالی مخاصمات، این افراد باید به سرعت پیدا گردیده و جمع‌آوری شوند؛

۴. این افراد باید با توجه به شرایطی که دارند در حداقل زمان ممکن و بدون اعمال تبعیض از مراقبت پزشکی برخوردار شوند. هیچ تبعیضی میان آنها جز به دلایل پزشکی نمی‌تواند وجود داشته باشد و افراد به دلیل تعلق به نیروی دشمن یا به دلایل تابعیت، جنس، نژاد یا مذهب نمی‌توانند مورد تبعیض واقع شوند؛

۵. دولت‌ها ترتیبی اتخاذ نمایند که واحدهای پزشکی نظامی و غیرنظامی در هنگام مخاصمات به فعالیت بپردازند؛
۶. دولت‌ها اعلام نمایند که این‌گونه خدمات باید از هرگونه حمله‌ای مصون باشند، به گونه‌ای که بتوانند در مناطق درگیری انجام وظیفه نمایند. نیروهای امدادی باید بی‌طرف محسوب گشته و هرگونه حمله‌ای علیه آنها مطلقاً ممنوع باشد؛
۷. اقدامات مشابهی در مورد آمبولانس‌ها، بیمارستان‌ها و سرویس‌های پزشکی که با علایم صلیب (نگهداری، ۱۳۸۶).

حمایت از محیط زیست در پروتکل‌های الحاقی

در پروتکل اول الحاقی به کنوانسیونهای چهارگانه ژنو مورخ ۱۹۴۹ نیز ماده ۲ ماده به حمایت از محیط زیست اختصاص یافت. به موجب بند ۳ ماده ۳۵ این پروتکل، استفاده از شیوه‌ها یا وسایل نبردی که هدف از آنها ایجاد خسارت گسترده، دراز مدت و شدید به محیط زیست طبیعی می‌باشد، یا انتظار می‌رود که چنین خسارتی به بار آید، ممنوع است. ماده ۵۵ نیز با عبارتی مشابه، همین نکته را بیان می‌دارد. یش از تشکیل کنفرانس اعلام نمود که مواد این پروتکل به سلاحهای کشتار جمعی و از جمله سلاحهای هسته‌ای تسری نمی‌یابد و در طول مذاکرات نیز قدرتهای هسته‌ای و بویژه ایالات متحده و بریتانیا اعلام نمودند که سلاحهای هسته‌ای مشمول مقررات پروتکل نمی‌شوند.

دومین مشکل نیز این است که بسیاری از دولتها و از جمله دولت ایالات متحده اعلام نمودند که بند ۳ ماده ۳۵ و ماده ۵۵ پروتکل، توسعه حقوق بین‌الملل محسوب می‌شوند و حقوق بین‌الملل عرفی فاقد چنین مقرراتی است. دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی مشورتی خود در مورد مشکل اول اظهار داشت: «هر چند که در کنفرانس دیپلماتیک ۱۹۴۹ بحث ماهوی در خصوص سلاح هسته‌ای صورت نگرفت و هیچ راه حلی در خصوص این مسأله ارائه نشد، پروتکل اول الحاقی به هیچ وجه جایگزین قواعد عمومی عرفی حاکم بر تمامی ابزارها و شیوه‌های جنگی و از جمله سلاحهای هسته‌ای نشد. بویژه دیوان یادآوری می‌نماید که تمامی دولتها ملزم به رعایت آن دسته از قواعد مندرج در پروتکل اول الحاقی هستند که در هنگام

تدوین، بیانگر قواعد عرفی موجود می‌باشند، « بند ۳ ماده ۳۵ و ماده ۵۵ پروتکل اول الحاقی به کنوانسیونهای چهارگانه ژنو حمایت بیشتری برای محیط زیست مقرر می‌دارد، اعلام نمود که این مواد تنها برای دولتهای عضو پروتکل الزام‌آور است. بدین ترتیب، دیوان به این نتیجه می‌رسد که این دو ماده پروتکل جنبه عرفی پیدا نکرده است. سپس دیوان به قطعنامه ۴۷/۳۷ مجمع عمومی اشاره می‌کند. در این قطعنامه، مجمع عمومی با بیان این مطلب که تخریب محیط زیست بدون توجه به ضرورت نظامی و به طور خودسرانه، نقض حقوق بین الملل موجود می‌باشد، از دولتها می‌خواهد در جریان مخاصمات مسلحانه تمامی اقدامات لازم را برای تضمین رعایت قواعد بین المللی حاکم بر حفاظت از محیط زیست به کار گیرند و به معاهدات بین المللی مربوطه ملحق شوند (شافع، ۱۳۷۷).

دفاع از غیر نظامیان

پروتکل اول الحاقی ۱۹۴۹ به کنوانسیونهای چهارگانه ژنو، تنها سند حقوقی بین‌المللی در حقوق بشردوستانه است که به شرایط دفاع غیرنظامی می‌پردازد. بر این اساس، رسالت این سازمانها، انجام اقدامات «بشردوستانه» است. این اقدامات بشر دوستانه به روش احصایی در قالب پانزده مورد ذکر شده اند و باید به سه منظور عملی شوند. در پیشنهاد کمیته بین‌المللی صلیب سرخ پیرامون پروتکل‌های الحاقی، دفاع غیرنظامی به عنوان یک نهاد بشردوستانه پیش‌بینی و مورد تأیید دولتها قرار گرفت. از نظر پروتکل اول، نقش دولت حامی یا سازمانهای غیردولتی نظیر کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در نظارت بر حمایتهای مقرر در حقوق ژنو برای غیرنظامیان، آن چنان کافی نیست که غایت حقوق بشردوستانه محقق گردد. با رعایت شرایط مقرر در پروتکل اول الحاقی فعالیت نمایند؛ زیرا پروتکل اول الحاقی دولتها را ملزم نکرده است که سازمانهای فعال در زمان صلح را از دفاع غیرنظامی مذکور در ماده ۶۱ مجزا سازند. مقررات پروتکل اول، دو شاخص مذکور را به خوبی تحت پوشش قرار داده است. بر اساس بند ۳ ماده ۶۵، کارکنان دفاع غیرنظامی حق همراه داشتن اسلحه را ندارند و صرفاً نظامیان عضو این سازمانها هستند که برای دفاع از خود حق دارند اسلحه همراه داشته باشند. در پروتکل اول، اقداماتی که به عنوان دفاع غیرنظامی قابل انجام هستند به روش احصایی بر شمرده شده و به

پانزده مورد محدود گشته است. در نگاه اول، اصرار دولتها بر احصا کردن اقداماتی که می‌توانند در پوشش دفاع غیرنظامی انجام دهند، نشان‌دهنده احتیاط آنها نسبت به محدود کردن دامنه آزادی عمل در انجام عملیات جنگی است (ساعد، ۱۳۸۳).

نتیجه گیری

کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ به انضمام دو پروتکل الحاقی ۱۹۷۷ که بخش‌هایی از آن به عنوان حقوق بین‌الملل عرفی، امروزه مخصصات مسلحانه معاصر را نظم می‌بخشند نیز نباید از نظر دور داشته شوند. این کنوانسیون‌ها منع رفتارهای توهین‌آمیز نسبت به نظامیان آسیب‌دیده و شکست خورده، غیرنظامیان و زندانیان جنگی در طی مخصصات مسلحانه را خاطر نشان کرده‌اند. اگرچه اسناد حقوق بین‌الملل بشردوستانه، دستورالعمل‌های مجمل و مفصلی ناظر بر رفتار با اشخاص مورد حمایت در طی مخصصات مسلحانه ارائه می‌نمایند و لیکن به لحاظ جزئیات ارائه شده، حمایت‌ها از افراد به‌ویژه زنان در مقابل خشونت‌های جنسی به طرز عجیبی ناچیز و حداقل است.

پیشرفت کنوانسیون ژنو در پروتکل الحاقی به موضوع صلیب سرخ باز می‌گردد به طوری که ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های ژنو در بند دوم خود اظهار می‌دارد که «یک رکن بشردوستانه بی‌طرف، مانند کمیته بین‌المللی صلیب سرخ می‌تواند خدمات خود را به طرفین منازعه پیشنهاد کند».

حق مقابله به مثل اگرچه بخوبی در حقوق بین‌الملل عرفی احراز شده است، ولی هر زمان که کوششی جهت به رسمیت شناختن آن در پیمان‌های مربوط به قوانین انسان دوستانه صورت گرفته، رد شده است. (محقق داماد، ۱۳۷۰)، اما پروتکل اول از این هم فراتر رفته و اساساً تلافی جویی علیه هر کس و هر چیزی را، بجز نیروهای دشمن، قویاً منع کرده است.

در پروتکل الحاقی برای کاهش شرایط مربوط به عدم حمایت از حقوق اسیران جنگی «هر یک از طرفین معظمین متعاقد مکلفند کسانی را، که متهم به ارتکاب یا امر به ارتکاب هر یک از تخلفات مهم هستند، تحت تعقیب قرار داده و آنها را از هر ملیتی که باشند تسلیم دادگاه‌های خود نمایند. همچنین اگر ترجیح دهند و با قوانین داخلی خودشان هم مغایرتی نداشته باشد

می توانند آنها را برای محاکمه به طرف متعاقد دیگری که ظاهراً پرونده‌های در مورد جرم تشکیل داده است به منظور محاکمه تسلیم نمایند». گروه دوم از جرائم جنگی، تخلفات مهم از ماده ۳ مشترک بین کنوانسیونهای ژنو و تخلفات مهم دیگر از قوانین و عرف‌های قابل اجرا در منازعات مسلحانه غیر بین‌المللی است.

حقوق بین‌الملل در توجه مسئولیت استفاده از این سلاحهای ممنوعه، از قدرت کافی برخوردار نیست و یکی از نقاط ضعف جدی حقوق بین‌الملل در این باره آن است که در نهایت، ممکن است مسئولیت کیفری، متوجه افراد و نظامیانی شود که از این سلاحها استفاده نمودند و دولتها در این باره مسئولیت کیفری ندارند. بعلاوه، حقوق بین‌الملل، در خصوص استفاده از سلاحهای اتمی و هسته‌ای، هنوز وضعیت روشنی ندارد.

پیشنهاد برای پژوهش‌های آینده

- ۱- بررسی نقش کنوانسیون‌های ژنو در شکل‌گیری شرایط حمایت از نظامیان در شرایط جنگ
- ۲- جایگاه برخورد پروتکل‌های الحاقی کنوانسیون ژنو نسبت به کشتار جمعی
- ۳- بررسی جایگاه اعلامیه‌های مربوط به رفتار با اسیران در شکل‌گیری پروتکل‌های الحاقی

منابع

- برزنونی، محمد علی. (۱۳۸۲). آثار حقوقی جنگ بر سرزمین در اسلام و حقوق بین‌الملل معاصر، حقوقی بین‌المللی، ۲۸، ۲۶۵-۳۰۲.
- رابرت بلدسو؛ بوسلاو بوسچک. (۱۳۷۵). فرهنگ حقوق بین‌الملل، ترجمه و تحقیق دکتر علیرضا پارسا، نشر قومس، تهران، چاپ اول، ۴۸۵ - ۴۸۴.
- رازی، ابوالفتوح؛ رازی، جمال‌الدین. (۱۳۵۲). لغات القرآن، تصحیح و حواشی میرزا ابوالحسن شعرانی، تهران، اسلامیه، ج ۱۲-۱۱، ۲۰.

- راعی، مسعود. (۱۳۸۳). دیوار حائل و مشروعیت ساخت آن در پرتو قواعد حقوقی بشر دوستانه، معرفت، ۸۲، ۵۸-۷۰
- ساعده، نادر. (۱۳۸۳). دفاع غیر نظامی و ارزیابی کار ویژه بسیج در پرتو آموزه های حقوق بین الملل بشر دوستانه، مطالعات راهبردی بسیج، ۲۲، ۱-۳۰
- سوهاندرز. (۱۳۸۲). مبارزه علیه تروریسم و حقوق بین الملل: خطرات و فرصتها، حقوقی بین المللی، مترجم: حسن سواری، ۲۹، ۳۳۱-۳۸۲
- شارل روسو. (۱۳۶۹). حقوق مخاصمات مسلحانه، ترجمه دکتر سیدعلی هنجنی، جلد اول، دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، ۸۲ - ۷۹
- شافع، میر شهبیز. (۱۳۷۷). رأی مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری در خصوص تهدید به استفاده یا استفاده از سلاح هسته ای، دانشکده حقوق و علوم سیاسی (دانشگاه تهران)، ۴۱، ۱۲۹-۱۵۶
- شجاع، جواد. (۱۳۸۸). درآمدی بر کاربردهای نظامی فناوری نانو از نگاه حق بر زندگی در صلح، حقوقی بین‌المللی، ۴۰، ۲۳۱-۲۵۸
- ضیایی بیگلری، محمدرضا. (۱۳۷۹). حقوق بین‌المللی عمومی، کتابخانه گنج دانش، چاپ چهاردهم، ۴-۲۶۳
- کنعانی، محمدطاهر؛ سیاه رستمی، هاجر؛ (۱۳۸۵). حقوق بین‌الملل بشردوستانه ناظر بر حمایت از افراد در درگیری های مسلحانه (مجموعه اسناد ژنو)، تهران: جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران.
- محقق داماد، سید مصطفی. (۱۳۷۰). رعایت قوانین انسان دوستانه بین‌المللی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی (دانشگاه تهران)، ۲۶، ۸۲-۶۷
- محقق داماد، سید مصطفی. (۱۳۷۲). مفهوم اسلامی حقوق بشر دوستانه، دانشکده حقوق و علوم سیاسی (دانشگاه تهران)، ۲۹، ۲۳۲-۲۱۹
- موسوی، سید فضل‌الله، موسوی فر، سید حسین؛ سیدیان هاشمی، سروش. (۱۳۹۴). حقوق بشردوستانه در اسلام و حقوق بین‌الملل، تهران: نشر دادگستر.

موسوی، سیدفضل-الله؛ تفرشی-خامنه، سیدمجید. (۱۳۹۵). جایگاه آستانه-ی مخاصمات مسلحانه-ی غیربین-المللی ذیل پروتکل الحاقی دوم، فصلنامه-ی مطالعات حقوق

عمومی، ۴، ۸۰۳-۸۲۴.

میر محمدی، سید مصطفی. (۱۳۸۲). جنگ سلطه و نقض اصول حقوق بین الداخلملل، رواق

اندیشه، ۱۶، ۴۵-۶۲.

نگهداری، عوض. (۱۳۸۶). جنگ، غیر نظامیان و حقوق بشر دوستانه در اسلام، معرفت، ۱۱۸،

۳۳-۴۶.





پښتونستان د علومو انساني او مطالعاتو فریښکي
پرتال جامع علوم انساني